

واکاوی انتقادی خصوصی سازی در نظام دادرسی کیفری ایران

محمد جواد فتحی

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران (دانشکدگان فارابی)، قم، ایران

✉ rojin.ebrahimi4@ut.ac.ir

✉ روژین ابراهیمی

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران (دانشکدگان فارابی)، قم، ایران

چکیده: رصد قوانین کیفری ایران از نقطه نظر خصوصی سازی نشان می دهد قانون گذار باب نظام عدالت کیفری را بر روی برخی از جلوه های خصوصی سازی گشوده است. در عصر تغییر و تحولات پرشتاب، توسعه دامنه خصوصی سازی به دیگر عرصه های نظام مزبور نیز امر دور از انتظاری نیست. بنابراین جهت نیل به هدف خصوصی سازی موفق در نظام عدالت کیفری، مطالعه جامعی مشتمل بر نقد مقررات فعلی و تبیین بایسته های مقرر گذاری در این زمینه ضروری می نماید. پژوهش حاضر با کاربرست روش توصیفی - تحلیلی و با به کارگیری منابع کتابخانه ای مرتبط، آیین نامه های حاکم بر «مؤسسات خصوصی حفاظتی و مراقبتی»، «دفاتر الکترونیک خدمات قضایی» و «مراقبت الکترونیک» را از منظر عنایت به مقتضیات و موانع خصوصی سازی محک زده است تا بتواند در راستای اطمینان از عملکرد مؤثر و کارآمد بخش خصوصی، اصلاحات آیین نامه ای لازم را پیشنهاد دهد و الزامات تقنین در این زمینه را مبرهن سازد. یافته های پژوهش نشان می دهد: «اختصاص دامنه خصوصی سازی به تکالیف غیر ذاتی دستگاه قضایی»، «نظارت پذیری و پاسخ گویی بخش خصوصی»، «ارائه باکیفیت و کم هزینه خدمات خصوصی»، «مدیریت چالش نظام طبقاتی در جامعه» و «رعایت حریم خصوصی» پنج مؤلفه ضروری هستند که قانون گذار در مقرر گذاری در عرصه خصوصی سازی عدالت کیفری بایستی مورد لحاظ قرار دهد.

واژگان کلیدی: خصوصی سازی، مؤسسات حفاظتی و مراقبتی، دفاتر الکترونیک خدمات قضایی، مراقبت الکترونیک

استناد: فتحی، محمد جواد و ابراهیمی، روژین. (۱۴۰۴). واکاوی انتقادی خصوصی سازی در نظام دادرسی

کیفری ایران. فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، ۳۰ (۱۱۰)، ۱-۲۷.

<https://doi.org/10.22034/ilvi.2025.2041438.1243>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.



مقدمه

اجازه‌واگذاری بخشی از خدمات حفاظتی پلیس به مؤسسات خصوصی حفاظتی و مراقبتی (بر اساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۸)، تأسیس دفاتر خدمات الکترونیک قضایی با استفاده از ظرفیت بخش خصوصی (به تجویز تبصره ۲ ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری الحاقی ۱۳۹۳)، امکان استفاده از ظرفیت این بخش برای اجرای تدابیر نظارتی نظام مراقبت الکترونیک (به حکم تبصره ۳ الحاقی ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹) و امکان برون‌سپاری بخشی از خدمات سازمان زندان‌ها به بخش خصوصی (وفق آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰) جلوه‌هایی نوظهور از حضور بخش خصوصی در نظام دادرسی کیفری ایران می‌باشد. این مهم نشان می‌دهد قانون‌گذار از رویکرد انحصارگر پیشین خود در اداره و تولید نظام عدالت کیفری توسط بخش دولتی، مقداری فاصله گرفته است.

حضور جزیره‌ای بخش خصوصی در نظام ساختارمند عدالت کیفری و رویکرد کمینه‌گرای قانون‌گذار فعلی نسبت به خصوصی‌سازی به معنای انسداد همیشگی باب‌های آن در سایر حوزه‌های عدالت کیفری نیست. در صورت وجود مقتضیات خصوصی‌سازی و فقدان موانع آن، فعال‌سازی دیگر ظرفیت‌های خصوصی‌سازی عدالت کیفری توسط قانون‌گذار، چندان بعید به نظر نمی‌رسد. در ضمن عملکرد شایسته نهادهای برون‌سپاری‌شده می‌تواند نقشی شتاب‌دهنده بر توسعه خصوصی‌سازی داشته باشد. بنابراین تحلیل مقررات فعلی و تجربه بومی نهادهای خصوصی‌شده در فرض خصوصی‌سازی‌های بعدی می‌تواند مثمر‌تر باشد. به رسمیت‌شناختن استفاده از ظرفیت بخش خصوصی برای ارائه برخی از خدمات زندان در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها مصوب ۱۴۰۰ اهمیت فعلی این موضوع را دوچندان می‌کند؛ زیرا دستورالعمل‌های اجرایی خصوصی‌سازی زندان هنوز به تصویب نرسیده است.

با توجه به گذشت مدت زمان معتدبه از عمر مؤسسات خصوصی حفاظتی و مراقبتی، دفاتر الکترونیک خدمات قضایی، نهادهای خصوصی اجرای مراقبت الکترونیک، به نظر می‌رسد واکاوی قواعد و مقررات حاکم بر خصوصی‌سازی این نهادها و بررسی تجربه عملی آن‌ها می‌تواند بابت جهت کشف شکاف‌ها و خلأهای قانونی موجود بگشاید و الگویی برای مقررگذاری در حوزه خصوصی‌سازی عدالت کیفری ارائه دهد. الگویی که قانون‌گذار کیفری را رهنمود کند در تدوین این دست مقررات بایستی چه معیارهایی را لحاظ و چه چالش‌هایی را مدیریت نماید.

در این راستا این پژوهش درصدد پاسخگویی به این پرسش است که آیا مبانی خصوصی‌سازی

در مقررہ گذاری حاکم بر نهادهای خصوصی سازی شده رعایت شده؟ و ترتیباتی برای مدیریت چالش های آن اندیشیده شده است؟ در راستای پاسخ به این پرسش مراجعه به سوابق مطالعات انجام شده پیرامون امکان سنجی خصوصی سازی عدالت کیفری ضروری می نماید؛ زیرا در هنگامه ابهام پیرامون تشکیل یا عدم تشکیل نطفه خصوصی سازی عدالت کیفری، زیر ساخت های مبنایی و چالش های پیشروی آن بیشتر از هر زمان دیگری موضوع بحث و مجادله بود.

با تکیه بر این مطالعات می توان معیارهای قابل اعتماد برای سنجش مقررات حاکم بر خصوصی سازی را به دست آورد؛ میزان هم گرایی یا واگرایی مقررات حاکم با اصول و مبنای را مشخص و معیارهای مغفول در مقررہ گذاری را متذکر شد. علاوه بر این تجربه عملی نهادهای خصوصی سازی شده در آیین مطالعات میدانی تاکنون انجام شده، ضرورت دارد تا به صورت دقیق و منسجم شاخص های مقررہ گذاری در این خصوص ارائه گردد.

بدین ترتیب این پژوهش بعد از مفهوم شناسی و امکان سنجی خصوصی سازی عدالت کیفری و بر شماری مبنایی و چالش های آن، جلوه های خصوصی سازی در نظام کیفری فعلی کشور را بر شمرده است. سپس با ابتدا به این کلیات، «ضرورت غیرذاتی بودن تکالیف خصوصی سازی شده»، «لزوم پاسخ گویی و نظارت پذیری بخش خصوصی»، «ضرورت ارائه با کیفیت تر و کم هزینه تر خدمات»، «مدیریت چالش طبقاتی شدن جامعه» و «بایستگی احترام به حریم خصوصی» به عنوان بایسته های مقررہ گذاری در سه نهاد خصوصی سازی شده (مؤسسات حفاظتی و مراقبتی، دفاتر خدمات قضایی و مجریان خصوصی مراقبت الکترونیک) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است تا مشخص شود قانون گذار چه نهادهای را می تواند برون سپاری کند و نهادهای مزبور چه ضوابطی را باید رعایت نمایند.

۱. مفهوم شناسی و امکان سنجی خصوصی سازی عدالت کیفری

برخی خصوصی سازی را به فرآیند واگذاری بخشی از فعالیت ها و نگاه های بخش دولتی به بخش خصوصی تعریف کرده اند. برخی دیگر آن را به معنای انتقال مالکیت دارایی ها و نظارت و کنترل از بخش عمومی به بخش خصوصی دانسته اند (زارع، ۱۳۹۱: ۴۲ و ۴۵). ریشه این دوگانگی در تعریف، به سطوح متفاوت خصوصی سازی برمی گردد که به دو صورت کلی و جزئی اعمال می گردد.

دولت متولی انجام دو دسته اعمال حاکمیتی و تصدی گری است. اعمال خصوصی سازی کلی در اعمالی که صرفاً جنبه تصدی گری دارند، بعید نیست؛ زیرا ماهیت این امور به گونه ای است که اجرای آن ها منوط و وابسته به بخش دولتی نیست و صرفاً بنابر مقتضیات زمانی و تاریخی خاصی، در انحصار دولت ها قرار گرفته اند. اما در آن دسته از اعمالی که از سوی حاکمیتی و از دیگر سو تصدی گری می باشند، خصوصی سازی کلی میسر نیست. این دسته از اعمال مجرای برای

خصوصی‌سازی جزئی می‌باشند. در خصوصی‌سازی جزئی، دولت هرگز حق هدایت عملکرد بخش خصوصی و وظیفه نظارت بر عملکرد این بخش را جهت اطمینان از انجام کار واگذار شده، فروگذار نمی‌کند (فیرفکس، ۲۰۱۰: ۲۷۰).

در خصوص تکالیف دولت در عرصه سامانه عدالت کیفری، در بادی امر چنین به نظر می‌رسد که این تکالیف صرفاً جنبه حاکمیتی داشته و به دور از هر گونه تصدی‌گری و لذا غیرقابل واگذاری است. چنانکه بند «الف» ماده ۶۴ قانون برنامه سوم توسعه، «امنیت عمومی» و «عدالت قضایی» را از جمله مصادیق اعمال حاکمیتی برشمرده است. ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری نیز «استقرار نظم و امنیت»، «اداره امور قضایی»، «برقراری عدالت» را جزء اعمال حاکمیتی دانسته است. لکن فارغ از یک رویکرد صفر و صدی در دسته‌بندی اعمال حاکمیتی و تصدی‌گری، در سلسله تکالیف دولتی، وظایفی وجود دارند که بخشی از آن حاکمیتی و بخش دیگر از نوع تصدی‌گری است. وظایف دولت در پهنه عدالت کیفری را می‌توان در این دسته قرار داد.

به تاسی از مصوبات شورای عالی اداری که اعمال حاکمیت و امور راهبردی را به معنای «سیاست‌گذاری»، «برنامه‌ریزی» و «نظارت» تلقی نموده است، گفته شده که سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت در عرصه عدالت کیفری جنبه حاکمیتی داشته و این سیاست‌ها و برنامه‌ها تحت نظارت دولت، توسط بخش خصوصی قابل اجرا است. به عبارتی اجرای این سیاست‌ها و برنامه‌ها توسط بخش خصوصی، جنبه تصدی‌گری داشته و واگذاری آن خدشه‌ای بر حاکمیت دولت وارد نمی‌آورد. در ضمن، تعریف قانونی اعمال حاکمیتی خود مؤید این کلام است. به تصریح قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون برنامه سوم توسعه اعمالی حاکمیتی هستند که منافع حاصل از انجام آن‌ها شامل همه اقشار جامعه می‌گردد و بهره‌مندی افراد از این نوع خدمات، نه تنها موجب ایجاد محدودیت برای استفاده دیگران نمی‌شود بلکه استفاده از آن، اقتدار دولت را نیز افزایش می‌دهد. منافع سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت بر سامانه عدالت کیفری شامل همه افراد جامعه است لکن اجرای این سیاست‌ها و برنامه‌ها عملاً به اشخاص خاصی تعلق دارد. حساب این مراحل را بایستی از یکدیگر تفکیک نمود. بر این بنیان، با وجود عدم امکان واگذاری بعد سیاست‌گذاری کیفری، بعد اجرای این سیاست‌ها قابل واگذاری به بخش خصوصی است. لفظ واگذاری خود گویای آن است که بخش خصوصی در اجرای این سیاست‌ها اصالت نداشته و صرفاً به نمایندگی از بخش دولتی و تحت نظارت آن به این عرصه ورود پیدا می‌کند.

بر این اساس یکی از قلمروهای تبلور خصوصی‌سازی جزئی، قلمرو عدالت کیفری است که در آن دولت ضمن انعقاد قرارداد با بخش خصوصی، جنبه‌های خاصی از ارائه یک خدمت یا حتی کل

ارائه یک خدمت را برون سپاری می کند اما این به معنای کناره گیری یا عدم دخالت دولت در آن حوزه نیست. چنانکه در بسیاری از موارد خصوصی سازی، دولت بودجه را فراهم می آورد، اهداف و الزامات برنامه ای را تعیین یا طرح نظارتی را وضع می کند و برای اجرا به بازیگران خصوصی متکی می شود. از این رو به جای عقب نشینی دولت، یک سیستم همکاری عمومی - خصوصی و یک رژیم «اداره مختلط» حاکم می شود که در آن بازیگران دولتی و خصوصی در مسئولیت ها مشارکت دارند (فیرفکس، ۲۰۱۰: ۲۶۹).

بدین ترتیب خصوصی سازی عدالت کیفری را می توان به معنای «انتقال نظامند برخی از کارکردهای اجرایی دولت در حوزه نهادهای عدالت کیفری به بخش خصوصی دانست به گونه ای که بخش خصوصی بتواند در سایه اقتدار و مدیریت کلان دولت برای بهسازی و کارایی نظام عدالت کیفری و تحقق اهداف آن در کنار دولت تلاش نماید» (زارع، ۱۳۹۱: ۵۲).

۲. مبانی و چالش های خصوصی سازی عدالت کیفری

مطالعات انجام شده درباره «خصوصی سازی عدالت کیفری» نشان می دهد این راهبرد بر مبانی جامعه شناسی سیاسی، اقتصادی و جرم شناسی مبتنی است. «تجدید مرزبندی حوزه عمومی و خصوصی بر اساس مصالح عمومی» و «توسعه اندیشه دولت حداقلی و مشارکت طلب» در زمره مبانی جامعه شناسی سیاسی خصوصی سازی عدالت کیفری برشمرده شده است. همچنین «ضرورت نفی انحصار دولتی در تولید کالاهای عمومی» و «تخصیص منابع محدود به خدمات مطلوب» به عنوان مبانی اقتصادی آن معرفی شده است «ضرورت ایمن سازی آحاد جامعه در برابر جرم»، «نظریه انتخاب عقلانی» و «تغییر در گفتمان سیاست جنایی در عصر حاضر» نیز در ردیف مبانی جرم شناسی آن قرار گرفته است (زارع، ۱۳۹۱: ۲۶۹-۲۲۶).

از نقطه نظر حامیان، خصوصی سازی عدالت کیفری به «توسعه امنیت عمومی»، «کاهش هزینه های عمومی» و «کارایی و کیفیت بهتر خدمات کیفری» می انجامد و از این سه ارزش مهم اجتماعی حمایت می کند. با این حال مخالفین بیان می کنند خصوصی سازی با عدالت کیفری «مغایرت ماهیتی» دارد؛ «بازاری» است برای منافع مادی بخش خصوصی که «نظام طبقاتی و نابرابر» را ترویج می دهد و به جهت مسئولیت ناپذیری بخش خصوصی و منفعت طلبی آن، «نگاهی کالایی به حقوق اساسی» افراد دارد و آن را تضعیف می کند (زارع، ۱۳۹۱: ۳۷۸-۳۲۶).

علاوه بر این نگاه کلان نگر به مقوله خصوصی سازی، پژوهش هایی به صورت اختصاصی درباره خصوصی سازی نهاد پلیس و زندان انجام شده است. «تفاوت رویکرد حکومت های اقتدارگرا و مشارکت طلب» و «تأثیر اندیشه دولت حداقلی» عیناً به عنوان مبانی جامعه شناسی سیاسی

خصوصی‌سازی پلیس برشمرده شده است. «بحران مالی و ناتوانی دولت در تأمین ایمنی و امنیت» و «کالایی شدن امنیت به جهت رشد بزه‌کاری و افزایش تعداد اموال شخصی به‌کار رفته در فضای عمومی مانند مراکز خرید و مجتمع‌های صنعتی» در ردیف مبانی اقتصادی آن قرار گرفته است. مبانی جرم‌شناسی این مهم شامل «پیشگیری وضعی»، «ضرورت احساس امنیت شهروندان»، «مشارکت ایشان» و «پیشرفت در کارایی و اثربخشی ارائه خدمات» است (سهیل مقدم، ۱۴۰۱: ۱۰۱-۵۰).

از جمله چالش‌های مطرح‌شده در مورد خصوصی‌سازی امنیت، می‌توان به «نهادینه شدن احساس اضطراب در میان شهروندان»، «نابرابری در تأمین امنیت»، «جابجایی جرم به مناطق کمتر حفاظت‌شده»، «عدم وجود محدودیت‌های رسمی در اعمال اقتدار خصوصی» و «نقض حریم خصوصی و حق خلوت» اشاره کرد (سهیل مقدم، ۱۴۰۱: ۱۵۰-۱۴۴).

در بیان مبانی خصوصی‌سازی زندان نیز مواردی از قبیل: «رشد جمعیت زندان‌ها»، «کمبود فضای فیزیکی حبس»، «عدم کفایت سرمایه‌های عمومی برای حفظ و نگهداری زندان‌های موجود»، «ناتوانی دولت در اداره زندان‌ها»، «کارایی پایین زندان‌های دولتی» و «راه‌حلی برای اداره وضع موجود و صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی» برشمرده شده است (رحمانی، ۱۴۰۰: ۵۲ و ۷۱).

خصوصی‌سازی زندان نیز با چالش‌هایی همراه است که از آن جمله می‌توان به «تردید در افزایش کارایی زندان‌های خصوصی»، «تردید در کاهش هزینه‌های این زندان‌ها»، «تردید در تخصص و تجربه بخش خصوصی»، «چالش نظارت بر زندان و هزینه‌های مترتب بر آن»، «فساد در اداره خصوصی زندان»، «تضعیف اقتدار دولت و یکپارچگی سیستم قضایی»، و «انگیزه سود، به‌عنوان انگیزه انحرافی برای تمديد مجازات زندانیان» اشاره کرد (رحمانی، ۱۴۰۰: ۸۰-۷۷).

با دقت در مطالعات انجام‌شده می‌توان مبانی مشترک خصوصی‌سازی را رصد کرد. رشد اندیشه دولت حداقلی و مشارکت‌طلب، فشار مالی حاصل از هزینه‌های سنگین نظام عدالت کیفری، ناتوانی دولت در تأمین این هزینه‌ها و وعده تأمین کالا و خدمات ارزان‌تر و باکیفیت‌تر توسط بخش خصوصی مبانی توجه و ترغیب دولت به سوی خصوصی‌سازی را فراهم آورده است. از دیگر سو منافع مادی حاصل از سرمایه‌گذاری بر روی نظام عدالت کیفری، مبنای توجه بخش خصوصی به این نظام به‌عنوان یک بازار سرمایه شده است. رویکرد منفعت‌طلبانه بخش خصوصی، دولت را نسبت به عملی‌نمودن اندیشه خصوصی‌سازی با چالش‌هایی مواجه نموده است؛ از جمله اینکه تضمینی در ارائه خدمات ارزان‌تر و باکیفیت‌تر وجود ندارد. این وعده خود می‌تواند زمینه‌ساز تضییع در حقوق اساسی شهروندان گردد. در ضمن، هزینه‌بردار شدن عدالت کیفری بستری برای برخورداری نابرابر شهروندان را فراهم می‌آورد. این چالش‌ها ضرورت مقررگذاری اجرایی و نظارتی

بر بخش خصوصی را توجیه می نماید. توجه به مبانی و چالش های خصوصی سازی عدالت کیفری و نهادهای پیشتر خصوصی سازی شده در ارزیابی جلوه های نوظهور خصوصی سازی لازم است تا مشخص شود این مبانی در وضع مقررات جدید نیز وجود دارد یا خیر و قانون گذار چالش ها و آسیب های خصوصی سازی را با نگاه مدیریتی مدنظر قرار داده است یا خیر؟

۳. ظرفیت های فعلی خصوصی سازی در فرآیند دادرسی کیفری

مؤسسات خصوصی حفاظتی و مراقبتی، دفاتر الکترونیک خدمات قضایی، ابلاغ الکترونیک، مراقبت الکترونیک و برون سپاری بخشی از خدمات سازمان زندان ها به بخش خصوصی جلوه هایی از پذیرش خصوصی سازی در نظام دادرسی کیفری ایران می باشد.

۳-۱. مؤسسات حفاظتی و مراقبتی

احتمال برون سپاری پلیس نسبت به سایر نهادهای عدالت کیفری بیشتر است و پلیس از نهادهای پیشرو در عرصه خصوصی سازی به شمار می رود. (پاک نیت، ۱۳۹۶: ۹۹) البته در ایران تمام فعالیت های پلیس خصوصی سازی نشده و خصوصی سازی کلی نیز صورت پذیرفته است؛ بلکه صرفاً بخشی از خدمات انتظامی، مراقبتی و حفاظتی پلیس در قالب دفاتر الکترونیک خدمات انتظامی (مراکز پلیس +۱۰) و مؤسسات خصوصی حفاظتی و مراقبتی خصوصی سازی شده است. علیرغم ماهیت خصوصی دفاتر الکترونیک خدمات انتظامی، خدمات این دفاتر از موضوع پژوهش خارج موضوعی دارد؛ زیرا خدمات ارائه شده این دفاتر ارتباط مستقیمی با فرآیند دادرسی کیفری ندارد.^۱ جلوه گاه خصوصی سازی پلیس در فرآیند دادرسی کیفری، مؤسسات خصوصی خدمات حفاظتی و مراقبتی است که از سال ۱۳۸۳ تنها با استناد به یک بخشنامه داخلی از سوی فرماندهی ناجا شروع به کار کردند؛ در حالی که آیین نامه اجرایی ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه در سال ۱۳۸۸ تصویب شد. لذا فعالیت این مؤسسات از سال ۱۳۸۸ جنبه قانونی یافت. به حکم آیین نامه مزبور، این مؤسسات با شخصیت حقوقی غیردولتی در چهارچوب قانون تجارت تشکیل می شوند. عوامل اجرایی و مراقبان آموزش دیده این مؤسسات را پلیس یار می گویند. پلیس یاران جلوه ای قانونی از خصوصی سازی پلیس

۱. در حال حاضر ارائه خدمات مربوط به گواهی نامه، گذرنامه، اجرائیات راهنمایی رانندگی مانند صدور صورت وضعیت خلافی خودرو، صدور و تمدید پروانه کسب (اماکن)، استعلام سوء پیشینه کیفری، ثبت درخواست های مشمولین نظام وظیفه، رسیدگی غیر حضوری به شکایات صورت وضعیت، صدور کارت هوشمند سوخت، تغییر آدرس مالکان خودرو جزء فعالیت های پلیس +۱۰ محسوب می شود. البته سوء پیشینه کیفری از دو مجرای مراجعه حضوری به دفاتر الکترونیک خدمات انتظامی و پیگیری آنلاین از دفاتر الکترونیک خدمات قضایی قابل استعلام است (قابل دسترسی در: <https://www.solh.ir/post/34>).

در ایران می‌باشند که براساس ماده ۱۱ آیین‌نامه، در حوزه حفاظت و مراقبت از اماکن مورد تصریح آیین‌نامه، توزیع تجهیزات دفاع شخصی، تولید، صادرات، واردات، توزیع و نصب و پشتیبانی سامانه‌های الکترونیکی حفاظتی و مراقبتی، حمل و نقل پول و اوراق بهادار، طراحی و مشاوره طرح‌های حفاظتی و مراقبتی ایفای نقش می‌نمایند. این مؤسسات صراحتاً از راه‌اندازی «محافظین شخصی، بادیگارد» و «کارگاه خصوصی» که جلوه‌هایی بارز از خصوصی‌سازی است، منع شده‌اند.

۳-۲. ابلاغ الکترونیک

علیرغم جواز قانونی ماده ۱۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۲۳ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مبنی بر امکان برون‌سپاری ابلاغ اوراق قضایی به بخش خصوصی، در حال حاضر مأمور ابلاغ الکترونیک شخصیت حقوقی زیرمجموعه قوه قضاییه (مرکز آمار و فناوری اطلاعات و ارتباطات قوه) می‌باشد (وحدتی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۳۳). بنابراین ظرفیت قانونی خصوصی‌سازی ابلاغ عملاً مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. نظر به عدم امکان الزام خواننده به ثبت‌نام الکترونیکی در بدو تشکیل پرونده و دسترسی نداشتن افرادی مانند مهاجرین غیرقانونی به سامانه ثنا، ابلاغ الکترونیک به صورت کامل جایگزین ابلاغ سنتی نشده است. از این رو به حکم ماده ۱۵ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی در صورت عدم دسترسی به شماره همراه یا پست الکترونیکی مخاطب، ابلاغ‌نامه به صورت فیزیکی و در محل اقامت او ابلاغ می‌شود. یکی از راهبردهای مدیریت شکاف پیش‌آمده استفاده از ظرفیت بخش خصوصی جهت ابلاغ به این دست اشخاص است، اگرچه در حال حاضر این ظرفیت قانون نیز مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است.

۳-۳. دفاتر الکترونیک خدمات قضایی

تبصره ۲ ماده ۶۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ظرفیت هوشمندسازی و خصوصی‌سازی طرح و پیگیری امور قضایی را به صورت توأمان به رسمیت شناخته است که در حال حاضر توسط دفاتر الکترونیک خدمات قضایی در حال اجرا است. ثبت اظهارنامه، شکوائیه، دادخواست و لوائح قضایی، اطلاع‌رسانی وضعیت پرونده، ویرایش اطلاعات در سامانه ثنا، ورود به صفحه شخصی در سامانه ابلاغ و رؤیت آن، تنظیم و اخذ اسناد تجاری، ثبت قرارداد و اعطای وکالت، تقاضای گواهی عدم سوءپیشینه، دریافت هزینه تمدید پروانه وکالت، کارشناسی و مترجمی، اطلاع‌رسانی فرآیند دادرسی از طریق پیامک، دریافت نوبت مراجعه به واحدهای قضایی، شرکت در جلسه رسیدگی و تحقیق الکترونیک، تکمیل فرآیند احراز هویت، دریافت گواهی پیشینه محکومیت‌های مالی و ملاقات از راه دور خانواده زندانیان در لیست خدمات قابل ارائه توسط دفاتر الکترونیک خدمات قضایی قرار دارد (قابل دسترسی در: <https://www.solh.ir/post/35>).

۳-۴. تدابیر فنی و نظارتی نهاد مراقبت الکترونیک

تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۹۹) امکان بهره‌برداری قوه قضاییه از ظرفیت بخش خصوصی برای اجرای «تدابیر نظارتی» نهاد مراقبت الکترونیک را به رسمیت شناخته است. پیش از آن تبصره ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی مراقبت الکترونیک مصوب ۱۳۹۷ واگذاری «بخش فنی» مراقبت الکترونیکی را به بخش خصوصی بلامانع اعلام نموده بود. بنابراین دو حوزه فنی و نظارتی مراقبت الکترونیک قانوناً قابل واگذاری به بخش خصوصی است.

۳-۵. برخی از خدمات مؤسسات کیفری

آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰ برای نخستین بار بستر قانونی امکان خصوصی سازی برخی از خدمات مؤسسات کیفری را فراهم آورده است. البته هیچ یک از این خدمات به صورت کامل برون‌سپاری نشده بلکه امکان برون‌سپاری به رسمیت شناخته شده است. بدین ترتیب امکان استفاده از ظرفیت بخش خصوصی برای ایجاد بازداشتگاه‌ها (به حکم ماده ۳۲)، نگهداری اسناد، اشیاء و لوازم قیمتی زندانی توسط بخش خصوصی طرف قرارداد (وفق ترتیب مقرر در بند پ ماده ۵۲)، برون‌سپاری برنامه‌های فرهنگی و تربیتی برای زندانیان توسط بخش خصوصی (براساس ماده ۸۱)، واگذاری رختشویی و خشکشویی مؤسسات کیفری به بخش خصوصی (منطبق با ماده ۱۳۲)، انعقاد قرارداد با بخش خصوصی جهت پوشش بیمه‌ای زندانیان (بنابر جواز ماده ۱۴۷)، واگذاری فروشگاه‌های مؤسسات کیفری به بخش خصوصی مشروط به رعایت ضوابط و اصل شفافیت و عدم انحصار (به حکم ماده ۱۶۰)، تعیین بخش خصوصی به عنوان حامی صلاحیت‌دار زندانیان آزادشده (براساس مفاد ماده ۱۷۰)، مشارکت با بخش خصوصی در راستای برنامه‌های اشتغال‌زایی زندانیان با رعایت ضوابط و مقررات، بدون انحصار و در راستای صیانت از حقوق زندانیان (بنابر جواز تبصره ماده ۱۷۴)، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تهیه و تدارک مواد و لوازم اولیه مورد نیاز اشتغال زندانی (وفق ماده ۱۷۹) و فروش محصولات زندانیان با مشارکت بخش خصوصی (براساس ماده ۱۸۰) قانوناً فراهم شده است.

آیین‌نامه سازمان در این خصوص ضوابطی نیز تعیین کرده است. برای مثال، براساس ماده ۲۰۹ مرخصی زندانی نباید با توافق‌نامه مؤسسه با بخش خصوصی در تعارض باشد. به حکم ماده ۳۳۸ در گزارش سالانه سازمان میزان بهره‌مندی از ظرفیت بخش خصوصی و تعامل با این بخش باید گزارش گردد. ماده ۱۱۴ نیز به تأسیس سامانه گزارش‌دهی مردمی جهت گزارش تخلفات مؤسسات تابعه سازمان با امکان دسترسی برای همه زندانیان و خانواده‌ایشان، کارکنان مؤسسه، وکلا و عموم مردم مبادرت ورزیده است. با این حال برون‌سپاری خدمات پیش‌گفته مستلزم به رسمیت شناختن

چارچوب‌ها و ضوابط خاص برای بخش خصوصی است که بایستی در تدوین دستورالعمل‌های این آیین‌نامه لحاظ گردد. در حال حاضر دستورالعمل اشتغال زندانیان و نظام انگیزشی برای مشارکت فعال بخش خصوصی و کارکنان مؤسسه به حکم ماده ۳۳۸ آیین‌نامه نیازمند تدوین است.

۴. بایسته‌های خصوصی‌سازی عدالت کیفری

این ضوابط با توجه به مبانی و چالش‌های نظری و عملی خصوصی‌سازی عدالت کیفری قابل استخراج است. بدین منظور ادامه بحث با طرح پنج مؤلفه ضروری در تدوین مقررات خصوصی‌سازی، به بررسی میزان نظرداشت مقنن به مبانی و چالش‌های خصوصی‌سازی در سه حوزه مؤسسات خصوصی حفاظتی و مراقبتی، دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و مجری خصوصی مراقبت الکترونیک می‌پردازد.

۴-۱. ضرورت غیرذاتی بودن تکالیف خصوصی‌سازی شده

یکی از مبانی خصوصی‌سازی عدالت کیفری، حداقلی‌شدن و مشارکت‌طلبی دولت است. به دیگر سخن خصوصی‌سازی به معنای حذف دولت و ترویج آنارشیزم نیست. (زارع، ۱۳۹۱: ۵۴) در خصوصی‌سازی تکالیف یا نهادهای عدالت کیفری بایستی این مهم مورد توجه قرار گیرد که تکالیف ذاتی دستگاه قضایی قابل واگذاری به بخش خصوصی نیست. این دستگاه ضمن حفظ وظیفه ذاتی و اصلی خود یعنی فصل خصومت (در امور حقوقی) و اجرای عدالت (در امور کیفری)، بخشی از وظایف اداری و برخی از سازمان‌های تابعه خود را می‌تواند به بخش خصوصی واگذار نماید. امکان واگذاری این امور از آن رو فراهم است که اولاً، این تکالیف به خودی خود اختصاصی به امر قضا ندارند و صرفاً زمینه اعمال امر قضا را ایجاد می‌کنند یا نتیجه حاصل از آن را به اجرا درمی‌آورند. به عبارتی این تکالیف ذاتی قوه قضاییه نبوده بلکه در گذر زمان و تحت تأثیر اقتضائات سازمانی، بر عهده آن مستقر گردیده است. ثانیاً، انجام این تکالیف توسط دستگاه قضایی موجبات بروکراسی اداری و کندشدن جریان امور را فراهم آورده است. (غمامی و مرادی برلیان، ۱۳۹۶: ۱۹۰) قرار گرفتن نهادهای وابسته به قوه قضاییه در چارت سازمانی این قوه نیز موجب فربه‌شدن دستگاه قضایی با شکل‌گیری معاونت‌های مختلف شده است (راسخی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳).

نظر به ضرورت چابک‌سازی دستگاه قضایی و تمرکز آن بر ایفای کارویژه اصلی خود، برون‌سپاری تکالیف اداری و سازمان‌های وابسته به قوه قضاییه به بخش خصوصی مستقل از دستگاه قضایی اما تحت نظارت آن، تبدیل به یک راهبرد مؤثر شده است (غمامی و مرادی برلیان، ۱۳۹۶: ۱۷۹). زیرا در برون‌سپاری، دستگاه یا بنگاه دولتی به جای رفع نیاز خود به صورت درون‌سازمانی، نیاز خود را از طریق بخش خصوصی بیرون سازمان، رفع می‌کند (محمدی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۷).

این مشارکت مشارکتی برد - برد تلقی می شود که با کاستن از هزینه های دولت و حذف ردیف بودجه ای سابق، منبع درآمدی از محل مالیات ایجاد می کند (زارع، ۱۳۹۱: ۱۰۵) و بستر اشتغال و کسب درآمد بخش خصوصی را فراهم می آورد. در این بین، هزینه هایی بر دوش شهروندان تحمیل می گردد که البته در فرض سرعت بیشتر و کیفیت بالاتر خدمات دریافتی، ارزش پرداختی دارد. حوزه عملکرد مؤسسات حفاظتی و مراقبتی، دفاتر خدمات قضایی و مؤسسات مجری مراقبت الکترونیک، ذاتی دستگاه عدالت کیفری نیست. خدمات قابل واگذاری به بخش خصوصی در مؤسسات کیفری نیز وظیفه ذاتی این مؤسسات نمی باشد. می توان گفت آیین نامه سازمان زندان ها پذیرای مدل فرانسوی خصوصی سازی (مدل نیمه خصوصی) در این قبیل مؤسسات شده است. در این مدل برخلاف مدل انگلیسی - آمریکایی، دولت همچنان متولی مدیریت و امنیت زندان باقی می ماند و بخش پشتیبانی و اداری به بخش خصوصی واگذار می گردد. (رحمانی، ۱۴۰۰: ۸۹؛ بهمنی و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۵۳) براساس تجربه سایر کشورها مدل فرانسوی عملکرد بهتری داشته است؛ زیرا خصوصی سازی کامل زندان (مدل انگلیسی - آمریکایی) به نقض حقوق بشر منتهی شده است (رحمانی، ۱۴۰۰: ۶۰).

۲-۴. لزوم پاسخ گویی و نظارت پذیری بخش خصوصی

یکی از چالش های ارائه خدمات توسط بخش دولتی، مسئولیت کیفری نداشتن این بخش به حکم تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی است. امری که با توجه به جایگاه ویژه دولت قابل توجیه است (شمس ناتری، ۱۳۹۸: ۸۰-۷۹). برون سپاری خدمات دولت به بخش خصوصی، راهبردی برای پاسخ گویی در ارائه خدمات است؛ زیرا بخش خصوصی مانند دولت از مصونیت برخوردار نیست. بهره برداری راستین از این امتیاز خصوصی سازی در گرو به رسمیت شناختن بسترهای اعتراضی شهروندان نسبت به خدمات ارائه شده توسط بخش خصوصی است. نظارت دولت بر بخش خصوصی نیز در این راستا اهمیت می یابد. اگر باب نظارت دولت بر بخش خصوصی باز نباشد، نقض حقوق توسط این بخش نیز امری دور از انتظار نیست.

با سپردن بخشی از تکالیف دولت به بخش خصوصی، نه تنها خود این بخش که کارکنان شاغل در آن نیز بایستی در صورت سوء استفاده از جایگاه خود مسئولیت کیفری ویژه داشته باشند تا مسئولیت پذیری به صورت جامع رخ دهد. در این راستا ماده ۲ پیش نویس لایحه تعزیرات ۱۴۰۱ کارکنان نهاد، شرکت یا مؤسسه خصوصی عهده دار ارائه خدمات عمومی از جمله دفاتر خدمات الکترونیک را مشمول احکام کیفری مقرر برای کارکنان نهادهای حکومتی و دستگاه های اجرایی دانسته است. به حکم مواد ۲۰۲ و ۲۲۱ این پیش نویس دامنه ارتکاب جرم ارتشاء و اختلاس به بخش

خصوصی نیز تسری یافته است.

یکی از مؤلفه‌های حائز اهمیت در این بحث، ابزار و راهبرد نظارتی دولت است. طبعاً هر چه فرآیند نظارت ساده‌تر و هزینه آن معقول‌تر باشد، رغبت دولت به سمت خصوصی‌سازی بیشتر می‌شود. یکی از ابزارهای کارآمد در این زمینه، ابزارهای الکترونیکی است از این رو خصوصی‌سازی در بستر فضای الکترونیکی نظارت دولت بر عملکرد بخش خصوصی را تسهیل می‌کند؛ درحالی‌که دولت با هزینه‌های گزاف نظارتی مواجه نمی‌شود؛ چنانکه می‌تواند بدون اعزام نیروی انسانی، فعالیت بخش خصوصی را به‌صورت ۲۴ ساعته رصد کند.

بدین ترتیب لازم است بررسی شود آیا در جلوه‌های خصوصی‌سازی شده در ایران، نقش نظارتی کماکان برای دستگاه قضایی حفظ شده است؟ آیا ترتیبات اعمال نظارتی دقیق و چهارچوب‌مند اندیشیده شده است؟ آیا نظام ضمانت‌اجرایی مشخص مورد پیش‌بینی قرار گرفته است؟ آیا نظارت دولت صرفاً جنبه تنبیهی دارد یا راهبردهای تشویقی نیز لحاظ شده است؟

بر اساس مفاد آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه اعمال کنترل و نظارت دقیق بر فعالیت مؤسسات خصوصی حفاظتی و مراقبتی جزوظایف ناجا می‌باشد که باید از طریق مرکز انتظام به انجام برسانند. ماده ۲۶ این آیین‌نامه استفاده از سلاح کارکنان مؤسسات حفاظتی و مراقبتی را صرفاً در موارد و مأموریت‌های ضروری مانند حفاظت از اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی شده و حفاظت‌شده، نگهداری و جابجایی وجوه و اوراق بهادار و نگهداری، مصرف و جابجایی مواد ناریه پذیرفته و تأمین آن برای کارکنان واجد شرایط و نظارت دقیق بر آن را در زمره تکالیف ناجا برشمرده است.

نیروی انتظامی می‌تواند از طریق گشت‌زنی و سرکشی بر عملکرد نگهبانان محله (همیاران پلیس) نظارت کند. اگرچه گشت‌زنی برای نظارت و کشف تخلفات و جرایم لازم است، اما کافی نیست و به صرف آن نمی‌توان اکتفا کرد (علیزاده و قلعه‌کار، ۱۳۹۳: ۶۰). بلکه لازم است بسترهای نظارتی دیگر نیز اندیشیده شود. برای مثال بازرسی تصادفی مرکز انتظام بر قراردادهای منعقد بین مؤسسات حفاظتی مراقبتی و نگهبانان ضروری است تا مرکز انتظام از جابجایی مکرر نگهبانان و بی‌تجربه‌ماندن آن‌ها ممانعت به‌عمل آورد (داودی دهقانی، ۱۳۹۵: ۸۰). علاوه بر نظارت فیزیکی، نظارت الکترونیک بر عملکرد پلیس خصوصی نیز ضرورت دارد. علیرغم آنکه امکان این نوع نظارت مورد تصریح آیین‌نامه مربوطه قرار نگرفته است، به نظر می‌رسد اطلاق نظارت و عدم ممنوعیت صریح نظارت هوشمند در آیین‌نامه را بتوان حمل بر عدم ممنوعیت نظارت هوشمند مرکز انتظام بر مراکز خصوصی مراقبتی و انتظامی نمود.

به هر رو در خصوصی‌سازی پلیس جنبه نظارت بخش دولتی بر بخش خصوصی مغفول نمانده است.

در ضمن این نظارت جنبه تشریفاتی نداشته و بدون ضمانت اجرا نبوده است. چنانکه براساس ماده ۲۴ آیین نامه مربوطه کمیسیون های رسیدگی به تخلفات می توانند مبادرت به تذکر کتبی با درج در پرونده، اعمال محدودیت یا ممنوعیت در عقد قراردادهای جدید یا ارائه خدمات، تنزل موقت رتبه فعالیت مؤسسه، تنزیل دائم، عدم تمدید، ابطال و لغو موقت یا دائم پروانه فعالیت مؤسسه یا دفاتر نمایند.

به حکم آیین نامه اجرایی دفاتر و کانون الکترونیک خدمات قضایی مصوب ۱۴۰۱ نظارت بر حسن اجرای وظایف دفاتر و کانون و گزارش آن به مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات قوه قضاییه جز وظایف معاونت دفاتر می باشد. براساس ترتیب مقرر در ماده ۱۷ آیین نامه مذکور بازرسی و نظارت بر حسن انجام امور دفاتر به دو صورت نظارت مستمر الکترونیکی و بازرسی میدانی دوره ای یا موردی انجام می شود. مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات قوه قضاییه علاوه بر رصد سامانه های در اختیار با نصب دوربین های مدار بسته قوه و با استقرار دستگاه های کارت خوان هوشمند قوه موجبات نظارت هوشمند بر عملکرد مالی و اداری این دفاتر را فراهم آورده است. ماده ۲۰ این آیین نامه با به رسمیت شناختن امکان دریافت گزارش ها و شکایت های مردمی از دفاتر با رعایت اصل محرمانگی هویت گزارش دهندگان، فرایند گزارش و شکایت شهروندان را از دفاتر تسریع و تسهیل نموده است و اسباب التزام دفاتر به رعایت حقوق مراجعین و انجام تکالیف خود را فراهم آورده است.

مواد ۳۴ تا ۴۰ این آیین نامه تخلفات انتظامی دفاتر را در هفت درجه دسته بندی نموده است. وفق ماده ۲۹ نیز دقیقاً مشخص شده است که تخلف انتظامی هر درجه با چه پاسخی مواجه است که از درجه یک تا هفت به ترتیب عبارت است از تذکر شفاهی، اخطار کتبی، توبیخ کتبی با درج در پرونده، تعلیق موقت به مدت سه ماه تا یک سال از مدیریت دفتر، توبیخ با درج در پایگاه اطلاع رسانی مرکز، تعلیق موقت بیش از یک سال تا سه سال از مدیریت دفتر و لغو دائم پروانه. این نظام کیفردهی معین، موجبات اعمال نظارت دقیق بر دفاتر را فراهم می آورد. ضوابط صدور قرار تعلیق تعقیب و تخفیف مجازات دفاتر نیز طی مواد ۳۱ و ۳۲ آیین نامه اندیشیده شده است.

مقایسه بین نظامات نظارتی پیش بینی شده نشان می دهد نظام نظارتی بر دفاتر الکترونیک خدمات قضایی نسبت به نظارت بر مؤسسات خصوصی حفاظتی و مراقبتی، نظامی سنجیده تر و دقیق تر است که علاوه بر تصریح به هر دو شیوه نظارتی، با درجه بندی تخلفات دفاتر، پاسخ متناسب با هر تخلف را تعیین کرده است و باب اعمال سلیقه گرایی افراطی و عدم رعایت اصل تناسب را بسته است.

به حکم صریح تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی، برون سپاری تدابیر نظارتی مراقبت الکترونیک بایستی با نظارت سازمان زندان ها انجام گیرد. به حکم ماده ۹ دستورالعمل واگذاری بخش فنی مراقبت الکترونیکی زندانیان، نظارت بر تجهیزات مراقبت الکترونیکی، نصب و فک آن ها

بر عهده سازمان زندان‌هاست. در آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های تصویب‌شده در مورد مراقبت الکترونیک، سازوکار نظارتی سازمان زندان‌ها بر بخش خصوصی مجری تدابیر نظارتی و یا فنی مراقبت الکترونیک تاکنون مشخص نشده است. بر این اساس مشخص نیست شیوه نظارت سازمان بر این مراکز به چه صورتی است و در صورت تخلف، چه ضمانت‌اجراهایی در انتظار ایشان خواهد بود. این مهم نیازمند مقررگذاری دقیق است.

۳-۴. ضرورت ارائه باکیفیت‌تر و کم‌هزینه خدمات

بخش خصوصی مدعی ارائه خدمات باکیفیت‌تر و کم‌هزینه‌تر و سریع‌تر است. اگر مقرر باشد نیروی انسانی خصوصی بدون ابزار مؤثر به ارائه خدمات دولتی بپردازد، تضمین چندانی برای دولت وجود ندارد که این بخش بتواند خدمات مطلوب‌تری ارائه دهد. اما فرض تجهیز بخش خصوصی به ابزاری کارآمد، پذیرش ادعای پیش‌گفته را برای دولت ممکن می‌سازد. یکی از ابزارهایی که بر سرعت و کیفیت کار می‌افزاید، فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی است. ارائه فناوری خدمات توسط بخش خصوصی، موازنه مذکور را برهم می‌زند؛ زیرا بخش خصوصی در این فرض شخصی است که ماشینی مجهز، پرسرعت و باکیفیت را کنترل می‌کند. ماشینی که سریع‌تر و سازمان‌یافته‌تر عمل می‌کند و قادر است حجم انبوهی از داده‌ها را در خود نگه دارد. در ضمن این ماشین برنامه‌پذیر بوده و قابلیت ارتقا به نسخه مطلوب و مورد نیاز انسان را دارد.

در عصر سرعت و تکنولوژی، دولت‌گزینی از ارائه هوشمند خدمات ندارد. دولت الکترونیک ارائه باکیفیت‌تر خدمات دولتی، کاهش کاغذبازی و صرف زمان بیهود و رضایت شهروندان را در پی دارد. (عقیقی و رستمی، ۱۳۹۷: ۲) براساس مطالعه کمی انجام‌شده در خصوص «کیفیت خدمات دفاتر الکترونیک قضایی و اعتماد شهروندان» نیز دولت الکترونیک مشارکت شهروندان در ادارات دولتی را از طریق وسایل الکترونیکی به وجود می‌آورد به طوری که ارتباط بین این دو به سرعت در حال افزایش است (عباسی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۳۸). لکن تحمیل بار ارائه همه خدمات به صورت هوشمند بر دوش دولت، این نهاد را با هزینه‌های گزافی مواجه می‌کند که طبعاً خود به‌تنهایی از عهده تأمین تمام مظاهر آن برنمی‌آید؛ از این رو دولت جهت مدیریت این هزینه‌های گزاف و نوظهور به برون‌سپاری خدمات به بخش خصوصی رغبت پیدا می‌کند.

بر این بنیان قانون‌گذار امکان برون‌سپاری ابلاغ الکترونیک، دفاتر الکترونیک خدمات قضایی و مراقبت الکترونیک را به رسمیت شناخت که نقطه اشتراک هر سه در استفاده از ابزارهای الکترونیکی است. اگرچه عملکرد مؤسسات حفاظتی و مراقبتی ضرورتاً به صورت الکترونیک نیست، امکان ارائه خدمات حفاظتی و مراقبتی در هر دو قالب فیزیکی و الکترونیکی برای بخش خصوصی صراحتاً به

رسمیت شناخته شده است. در لیست اهداف آیین نامه اجرایی نیز به پیشگیری از وقوع جرائم با بهره گیری از تجهیزات و فناوری های نوین و زمینه سازی در جهت تحقق پلیس الکترونیک اشاره شده است.

در ضمن علیرغم عدم اعلام انحصار در ارائه خدمات حفاظتی و مراقبتی به صورت الکترونیک، ارائه این خدمات در عصر حاضر در حال گذر از مراقبت فیزیکی به سمت مراقبت الکترونیکی است؛ زیرا نظارت هوشمند روز به روز مورد استقبال بیشتری قرار می گیرد. دولت به تنهایی از عهده تأمین تمام مظاهر این سبک نظارت بر نمی آید. از این رو شهروندان در راستای حفاظت و مراقبت از اموال شخصی، خود به تهیه و تدارک این خدمات هوشمند مبادرت می ورزند. بر این بنیان می توان گفت در چشم انداز دولت، این دسته از خدمات نیز حرکتی پرشتاب به سمت هوشمندسازی دارند.

در هر صورت در اندازه گیری کیفیت خدمات ارائه شده، دو رویکرد عینی و ذهنی قابل اعمال است. معیارهای عینی به ارزیابی کیفیت خدمات بر اساس عملکرد گذشته یا نظر کارشناسان می پردازند و به درک کاربران توجهی ندارند. معیارهای ذهنی با درک مشتری و میزان رضایت مندی او مرتبط می باشند. ابعاد رضایت مشتری از کیفیت خدمات عبارت است از محسوسات، قابلیت اطمینان، پاسخگویی، تضمین و همدلی (عباسی، ۱۴۰۰: ۱۴۰). با توجه به گذشت زمان معتدبه از تأسیس مؤسسات حفاظتی مراقبتی، دفاتر الکترونیک خدمات قضایی و تولید پابندهای الکترونیک توسط بخش خصوصی، با تکیه بر مطالعات میدانی انجام شده و دیدگاه متخصصان امر، کیفیت ذهنی و عینی خدمات مذکور به ترتیب مورد بررسی قرار می گیرد.

کیفیت خدمات مؤسسات خصوصی مراقبتی در پژوهش های میدانی زیر قابل رصد است. براساس مطالعه کمی انجام شده در خصوص «نقش شرکت های خدمات انتظامی در ایجاد احساس امنیت اجتماعی در استان گلستان» استقرار پلیس یار در ایجاد نظم و امنیت در محل سکونت یا محل کار اثرگذار ارزیابی شده است. بین اعتماد به شرکت های خدمات انتظامی، رضایت از این شرکت ها، مدت زمان استقرار پلیس و احساس امنیت اجتماعی رابطه مثبت معناداری وجود داشته و بالاترین تأثیر به اعتماد به پلیس و رضایت از پلیس تعلق داشته است (بایاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۹ و ۸۱). بر اساس مطالعه کمی انجام شده در خصوص «بررسی عوامل انتظامی مؤثر بر سرقت های خرد در شهر مشهد و راه کارهای مبارزه با آن» حضور نگهبانان محله دومین عامل اثرگذار از چهار عامل انتظامی مؤثر بر کاهش سرقت های خرد می باشد (حیدرنژاد و عامری، ۱۳۹۹: ۱۳۵).

یافته های مطالعه کیفی انجام شده پیرامون «چالش ها و راهکارهای نگهبانان محله در پیشگیری از سرقت از نگاه مدیران پلیس» نیز نشان می دهد ضعف آموزش، دانش، مهارت و تجربه ناکافی،

چالش‌های مربوط به مؤسسه‌های انتظام، کمبود تجهیزات و امکانات تخصصی پیشگیری از سرقت و تعامل ناکافی با کلانتری‌ها مهم‌ترین چالش‌های نگهبانان محله در پیشگیری از جرم سرقت می‌باشند. در این مطالعه ارتقای سطح مهارت و دانش نگهبانان محله از طریق تقویت آموزش، اصلاح فرآیندهای تخصصی در مؤسسه‌های انتظام، تجهیز نگهبانان محله به امکانات تخصصی پیشگیری از سرقت و تدوین سازوکارهای لازم برای افزایش تعامل کلانتری‌ها و نگهبانان محله، به‌عنوان مهم‌ترین راه‌کارهای نگهبانان محله در پیشگیری از جرم سرقت، پیشنهاد می‌گردد (داودی دهقانی، ۱۳۹۵: ۶۹). در این راستا توجه به تبصره ماده ۸ دستورالعمل حفاظت و مراقبت اماکن مورد واگذاری در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مصوب ۱۳۹۳ مؤثر است که وفق آن ناجا موظف است آموزش‌های عمومی مورد نیاز اماکن و تأسیسات طبقه‌بندی واگذارشده به بخش خصوصی را ارائه می‌دهد.

استرس‌زا و حساس بودن مقوله دادرسی و احساس نیاز انسان به کنترل و نظارت بر امور خود موجبات تعدد رفت‌وآمد مراجعین به دادگستری را فراهم آورده بود؛ به‌گونه‌ای که براساس آمارهای منتشرشده قوه قضاییه، ۵۵ درصد مراجعات مردم به دادگاه‌ها به‌منظور اطلاع از وضعیت پرونده بود. این امر علاوه بر اتلاف وقت شهروندان، هزینه زیادی را بر دوش ایشان و دولت تحمیل می‌کرد (قنبرپور، ۱۴۰۱: ۶۱).

پژوهش‌های میدانی زیر دیدگاه شهروندان در خصوص کیفیت خدمات دفاتر الکترونیک خدمات قضایی را نشان می‌دهد. بر اساس مطالعه انجام‌شده تحت عنوان «بررسی تأثیر کیفیت خدمات الکترونیکی قضایی بر رضایتمندی شهروندان» دو متغیر کیفیت خدمات دفاتر و کیفیت خدمات سامانه الکترونیک قضایی اثر مثبت و معناداری بر رضایت شهروندان داشته است. در این مطالعه عوامل فیزیکی و ملموس، قابلیت اطمینان، پاسخگویی، تضمین خدمات و راحتی در دسترسی به‌عنوان ابعاد کیفیت خدمات دفاتر الکترونیک خدمات قضایی مورد سنجش قرار گرفته است. طراحی وب‌سایت، قابلیت اطمینان، پاسخگویی، امنیت و محرمانگی، اطلاعات، سهولت استفاده نیز به‌عنوان ابعاد کیفیت خدمات سامانه الکترونیک قضایی رصد شده است (جعفری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۱-۱۵۳).

بر اساس نتایج مطالعه انجام‌شده پیرامون «کیفیت خدمات دفاتر الکترونیک قضایی و اعتماد شهروندان» میانگین رضایت مراجعان از خدمات الکترونیک بسیار بالاتر از خدمات حضوری است. میزان رضایت مراجعان از کیفیت خدمات حضوری دفاتر در دو بعد قابلیت اطمینان و پاسخگویی بسیار پایین است. میزان رضایت از کیفیت اطلاعات و کیفیت خدمات الکترونیک بالا

است اما رضایت از کیفیت سیستم از حد میانگین کمتر است. بر اساس این مطالعه بایستی در مورد استفاده ایمن سامانه مجازی و حفظ محرمانگی اطلاعات به استفاده کنندگان اطمینان داده شود (عباسی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۵۷).

سامانه دفاتر خدمات قضایی با محدودیت هایی مانند محدودیت عناوین خواسته در سامانه، قطعی مکرر سامانه در ساعات غیراداری و ایام تعطیل به دلیل بروزرسانی، نبود نرم افزار کاربردی واحد برای محاسبه ارزش منطقه ای املاک، عدم امکان ثبت درخواست های فوری به صورت فوری و در غیر ساعات اداری مواجه است (محمدي و دیگران، ۱۴۰۱: ۵۵) که باتوجه به آموزش پذیر بودن و قابلیت ارتقای سامانه های الکترونیکی قابلیت برطرف شدن دارد.

از نقطه نظر هزینه ای، تهیه فرم دادخواست، شکواییه و لوایح به صورت الکترونیکی، صرفه جویی در کاغذ و عدم نیاز به مراجعه به دادگاه مگر در روز دادرسی، باعث شده که شیوه الکترونیکی طرح و پیگیری دعوا نقشی مؤثر در کاهش این دست از هزینه ها داشته است. البته مراجعه به دفاتر خود تحمیل گر هزینه های مالی و زمانی خاصی بر دوش مراجعین است و به گونه ای جابجایی هزینه رخ داده است. این ایراد در حال حاضر در حال برطرف شدن است؛ زیرا طرفین پرونده و وکلای ایشان در صورت تمایل می توانند با مراجعه به کارتابل شخصی خود، دعوا یا شکایت را طرح و پیگیری نمایند. از منظر درآمدی طرح و پیگیری دعوا از مجرای دفاتر الکترونیک قضایی نه تنها موجبات اشتغال زایی برای کارکنان دفاتر را فراهم آورده که به جهت الزام دفاتر به پرداخت مالیات بر درآمد تبدیل به منبع درآمدی برای دولت شده است.

در خصوص هزینه های تمام شده پابند الکترونیک و هزینه های آن نیز توجه به پژوهش و گزارش های زیر لازم است. در پی واگذاری بخش فنی مراقبت الکترونیک به بخش خصوصی، شرکت توسعه خدمات الکترونیک حامی عدالت با مشارکت دانشگاه علم و صنعت مبادرت به تولید بومی پابند الکترونیک نمود. بدین ترتیب پابند الکترونیک در سال ۱۴۰۱ به عنوان یک محصول دانش بنیان ثبت گردید. هزینه تمام شده این پابندها در خارج از کشور ۲۷۰۰ یورو تا ۳۰۰۰ یورو بود اما تولید آن در داخل به قیمت ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان تمام شده است. این نشان می دهد تولید داخلی این محصول توسط بخش خصوصی، سهمی مؤثر در کاهش هزینه های آن داشته است (قابل دسترس در: <https://jahansanatnews.ir/2672>, <https://snn.ir/fa/news/716315>).

پژوهش کیفی انجام شده در خصوص «آسیب شناسی استفاده از دستبند و پابند الکترونیکی در حبس خانگی» ضمن مصاحبه با ۲۶ بهره ور مراقبت الکترونیک به این نتیجه رسید که پابند الکترونیک در بر دارنده ۹ آسیب جسمی از قبیل ایجاد زخم و جراحت و تورم و خراشیدگی، حساسیت پوستی، آثار

سوء امواج روی بدن، احساس سنگینی در معج پا، افزایش ضربان قلب ناشی از امواج و... ۳۷ آسیب اجتماعی شامل ترس از استراق سمع، ترس از دیده شدن پابند، برخورد نامناسب دیگران، مانعی برای ورود به اماکن ورزشی و تفریحی، نارضایتی خانواده از وجود پابند و... ۱۴ مورد آسیب روانی از جمله احساس تنهایی، اختلال خواب، اضطراب، افسردگی، ترس از کنترل‌شدگی، مشکلات عصبی و... می‌باشد. از اینرو دولت بایستی از شرکت‌هایی این ابزار را خریداری کند که از بهترین و ایمن‌ترین مواد اولیه استفاده می‌کنند (بازگیر و صفری کاکرودی، ۱۴۰۱: ۱۹۶).

به هر رو در تدوین مقررات خصوصی‌سازی نباید از ادعای ارائه باکیفیت‌تر خدمات بخش خصوصی مغفول بود. دولت در حد توان وظیفه دارد به بخش خصوصی ارائه‌دهنده این خدمات تسهیلات، امکانات و دانش اولیه را ارائه دهد. کیفیت ارائه خدمات را در رتبه‌بندی نهادها و مؤسسات خصوصی‌شده لحاظ کند و ضمانت‌اجراهای مناسب برای مقابله با بخش خصوصی ارائه‌دهنده خدمات نامطلوب ببیند.

۴-۴. مدیریت چالش طبقاتی شدن جامعه

از دیگر چالش‌های نیازمند مدیریت در خصوصی‌سازی، چالش طبقاتی شدن جامعه و ترویج نظام نابرابر است. بخش خصوصی به‌سان بخش دولتی تکلیفی در ارائه خدمات عام‌المنفعه ندارد و با اتخاذ رویکردی منفعت‌طلبانه خدمات خود را در ازای دریافت هزینه ارائه می‌نماید. نگرش مبادلاتی حاکم بر بخش خصوصی زمینه استقرار خدمات خصوصی در مناطق برخوردار و بهره‌مندی بیشتر افراد متمکن را فراهم می‌آورد. البته دولت می‌تواند با تعیین تعرفه‌های سالیانه بر بازار سرمایه بخش خصوصی نظارت داشته باشد.

راهبرد مدیریتی قابل پیگرد دیگر برای دولت این است که توازن معادله و مبادله خدمت-هزینه را به‌صورتی هوشمندانه برهم بزند. بدین صورت که واگذاری بخشی از فعالیت‌های سودآور و برخوردار از برخی امتیازها و معافیت‌ها را منوط به ارائه خدمات عام‌المنفعه و یا ارائه خدمات رایگان یا کم‌هزینه به افراد یا مناطق نیازمند نماید تا بخش خصوصی به انگیزه دستیابی به منافع بلندمدت، از برخی منافع کوتاه‌مدت چشم‌پوشی نماید.

در این راستا دولت باید از تلقی بخش خصوصی به‌عنوان یک کل تجزیه‌ناپذیر دست بردارد و در خصوصی‌سازی، نظام رتبه‌بندی را به رسمیت بشناسد تا مداخله عوامل مدنظر خود در این رتبه‌بندی را امکان‌پذیر نماید و مؤلفه‌هایی مانند خدمت‌رسانی رایگان به مناطق فقرزده و افراد نیازمند و خدمت‌رسانی مثمرتر را در این رتبه‌بندی دخالت دهد تا بستر رقابت سازنده و مولد بین بخش خصوصی را فراهم آورد. بدین صورت که این بخش با انگیزه کسب سود بیشتر در آینده در زمینه‌های

عام‌المنفعه حاضر به سرمایه‌گذاری باشد.

نظر به حکومت نظام بیمه‌ای و مالیاتی بر بخش خصوصی، از دیگر راهبردهای انگیزه‌بخش می‌توان به نظام معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی و بیمه‌ای به مؤسساتی اشاره کرد که به قشر آسیب‌پذیر خدمات رایگان اختصاص می‌دهند. در ادامه راهبردها و شکاف‌های مدیریتی در خصوصی سازی مؤسسات حفاظتی مراقبتی، دفاتر الکترونیک خدمات قضایی و مؤسسات مجری مراقبت الکترونیک تبیین می‌گردد.

نظام تعرفه‌گذاری دولتی در ضوابط حاکم بر مؤسسات خدمات حفاظتی و مراقبتی لحاظ شده است؛ چنانکه به حکم ماده ۲۱ آیین‌نامه مؤسسات خدمات حفاظتی تعیین تعرفه حق الزحمه و ضوابط هزینه‌های قابل دریافت این مؤسسات بابت ارائه خدمات موردنظر و ضوابط کنترلی و نظارتی بر عهده ناجا می‌باشد.

نظام رتبه‌بندی نیز در ماده ۱۱ آیین‌نامه مؤسسات خدماتی مراقبتی و حفاظتی به رسمیت شناخته شده است.^۱ بر اساس این ماده با توجه به استانداردهای مصوب، به این مؤسسات پروانه فعالیت در سه رتبه داده می‌شود. اما معیارهای رتبه‌بندی مورد تصریح قرار نگرفته است. با تعیین معیار، امکان بهره‌گیری از ظرفیت رتبه‌بندی در راستای مدیریت چالش نابرابری در تأمین امنیت و جابجایی جرم فراهم می‌شود. مؤلفه‌هایی مانند میزان موفقیت این مؤسسات در کاهش جرایم ارتكابی در محل تحت محافظت و خدمات رایگان ارائه‌شده به مناطق فقرزده و جرم‌خیز می‌تواند در معیارهای رتبه‌بندی لحاظ گردد. معیار نخست انگیزه و روحیه فعالیت مشرثرتر را در این مؤسسات ایجاد

۱. رتبه سوم: حفاظت و مراقبت از اماکن و تأسیسات خصوصی و دولتی فاقد طبقه‌بندی حفاظتی از قبیل محلات، مراکز، مجتمع‌های مسکونی، تجاری، صنعتی، شعب غیرمادر بانک‌های خصوصی، مؤسسات مالی و اعتباری، صندوق‌های قرض‌الحسنه، اماکن فرهنگی، تفریحی، آموزشی، بهداشتی و درمانی، مزارع و املاک و تأسیسات کشاورزی و دامداری، سیلوها، انبارهای کالا، پروژه‌های عمرانی و پایانه‌های مسافربری.

رتبه دوم: علاوه بر موارد مندرج در رتبه ۳، حفاظت و مراقبت از شعب غیرمادر بانک‌های دولتی، نمایشگاه‌های بین‌المللی، اجلاس‌ها، جشنواره‌ها، بازارچه‌های مرزی، تأسیسات ریلی، دریایی، هوایی، انتقال نیرو و انرژی، ایستگاه‌های رادیویی و مخابرات، توزیع تجهیزات دفاع شخصی، توزیع و نصب و پشتیبانی سامانه‌های حفاظتی و مراقبتی الکترونیکی، حمل و نقل پول و اوراق بهادار مربوط به شعب غیرمادر بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه و اسناد و اشیاء بهادار.

رتبه یکم: علاوه بر موارد مندرج در رتبه ۲ و ۳، مراقبت از گردشگران، طراحی و مشاوره در زمینه طرح‌های مراقبتی و حفاظتی، تولید، واردات و صادرات اقلام، تجهیزات و سامانه‌های مراقبتی الکترونیکی و آموزش نیروی انسانی مرتبط با این آیین‌نامه.

می‌کند (داودی دهقانی، ۱۳۹۵: ۸۰). معیار دوم نیز می‌تواند در مدیریت پدیده جابجایی جرم که یکی از چالش‌های فراروری امنیت خصوصی است اثرگذار باشد (دهقان، ۱۳۹۷: ۱۲).

از دیگر راهبردهای انگیزه‌بخش در این زمینه می‌توان به معافیت‌های و تخفیف‌های مالیاتی و بیمه‌ای به مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات رایگان اشاره کرد. در این خصوص براساس تبصره ۳ ماده ۱۳ آیین‌نامه حاکم در صورت صلاح‌دید ناجا، امکان حضور یک نفر نماینده ناجا به منظور دفاع از حقوق مؤسسات حفاظتی و مراقبتی در هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف سازمان‌های مالیاتی، اداره کار و تأمین اجتماعی وجود دارد. نظر به حساسی‌های دائم سازمان مالیاتی و تأمین اجتماعی و پرسامد بودن شکایت‌های اداره کار و تأمین اجتماعی، این راهبرد حمایتی، راهبردی کارآمد محسوب می‌شود. یکی از مواردی که ناجا می‌تواند در برخورداری از این امتیاز لحاظ نماید، تحقق شرایط پیش‌گفته است.

در خصوص مدیریت چالش سوءاستفاده‌گری دفاتر الکترونیک خدمات قضایی، به حکم ماده ۲۳ آیین‌نامه حاکم، دولت تعرفه‌گذاری سالانه خدمات این دفاتر را در لیست تکالیف مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات قوه قضاییه حفظ کرده است. در ماده ۱۴ این آیین‌نامه افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی، مددجویان مستمری‌بگیر سازمان بهزیستی و زندانیان بی‌بضاعت با تأیید سازمان زندان‌ها از پرداخت تعرفه خدمات دفاتر معاف شده‌اند.

نگرانی بخش خصوصی از بابت امکان سوءاستفاده‌گری بخش خصوصی و ارائه اسناد و مدارک جعلی دال بر محرومیت نیز توسط اطلاعات رایانه‌ای قابل کنترل است. ذیل ماده ۱۴ در این خصوص بیان می‌دارد مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات قوه قضاییه با هماهنگی کمیته امداد، بهزیستی و سازمان زندان‌ها، موظف است ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ این آیین‌نامه، امکان استعلام الکترونیک افراد تحت پوشش را فراهم نماید. نظر به قابلیت استعلام الکترونیک، جا داشت خانواده زندانیان تحت پوشش سازمان حمایت از خانواده زندانیان و افراد تحت حمایت مراکز مراقبت بعد از خروج نیز در لیست افراد مشمول معافیت قرار می‌گرفتند تا زنجیره حمایت از این افراد و خانواده ایشان در تمام فرآیند دادرسی تکامل یابد. در ضمن پرداخت هزینه ارائه شده به این اشخاص در لیست وظایف «کانون دفاتر» قرار گرفته است و دولت خود متولی این حمایت‌گری نشده است.

به حکم تبصره ۲ ماده ۱۳ نیز دریافت وجه کمتر از تعرفه بابت خدمات ارائه شده ممنوعیتی ندارد. این مقرر به گونه‌ای آزادی عمل بخش خصوصی را به رسمیت شناخته است و فرصت ارفاق اقتصادی به شهروندان را در صورت صلاح‌دید این بخش فراهم آورده است. دسته دیگری که حمایت از ایشان مورد توجه قرار گرفته است، افراد ناتوان یا کم‌توان جسمی و ذهنی می‌باشد که به حکم ماده

۴۷ آیین نامه مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات مکلف است در راستای خدمت رسانی متناسب به ایشان سیاست گذاری ها و نظارت لازم را معمول دارد.

ماده ۱۸ آیین نامه در راستای انگیزه سازی برای بخش خصوصی و مدیریت رویکرد منحصراً اقتصادی، نظام رتبه بندی دفاتر را با استفاده از شاخص های غیراقتصادی مانند میزان رضایت مراجعان، تعداد و نوع خدمات انتظامی، گستره و نوع خدمات رایگان ارائه شده به افراد محروم، گزارش های بازرسی و میزان پایبندی به مقررات و نظامات به رسمیت شناخته است. براساس ماده ۱۹ رتبه بندی مربوطه فرصت برخورداری از امتیازهایی مانند تخفیف در حق عضویت و مجوز تأسیس باجه را برای دفاتر فراهم می آورد. بدین ترتیب بخش خصوصی می تواند با انگیزه دستیابی به سود بلندمدت، متحمل هزینه ها و مبادی مقررات باشد.

در خصوص مراقبت الکترونیک به حکم ماده ۵۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۹ آیین نامه اجرایی مراقبت الکترونیک دو هزینه بر بهره ور این نهاد تحمیل می گردد: نخست، هزینه وثیقه جهت جبران خسارات وارده به تجهیزات و اجرای تعهدات مربوط؛ دوم، هزینه استفاده از تجهیزات که به موجب تعرفه دولتی تعیین می شود. در مورد هزینه دوم دو نظام معافیت و تخفیف اندیشیده شده است. معافیت از پرداخت هزینه استفاده از مراقبت الکترونیک خاص افرادی است که به تشخیص سازمان زندان ها توانایی پرداخت تمام یا بخشی از هزینه را نداشته باشند. این افراد به حکم ماده ۲۳ آیین نامه در حدود اعتبارات و منابع مالی سازمان از پرداخت هزینه معاف می باشند. متناسب سازی هزینه ها با وضعیت اقتصادی بهره وران مراقبت الکترونیک طی بخشنامه تعرفه استفاده از تجهیزات مراقبت الکترونیکی (پابند الکترونیکی) مصوب ۱۴۰۲ در قالب سه تعرفه بندی اندیشیده شده است. افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی و زنان سرپرست خانوار در ازای هر روز استفاده ۲۰/۰۰۰ ریال؛ اشخاصی که به تشخیص مددکار و تأیید رئیس مؤسسه کیفری با موافقت مدیر کل زندان های استان و یا مقام مجاز معرفی شده از سوی ایشان ناتوان از پرداخت تعرفه مقرر می باشند، در ازای هر روز استفاده ۱۰۰/۰۰۰ ریال؛ سایر افراد جامعه در ازای هر روز ۲۰۰/۰۰۰ ریال باید بپردازند. بهره ور مراقبت الکترونیک انتخاب می کند این هزینه ها را به صورت ماهانه یا یکجا پرداخت نماید. این شیوه ارفاق اقتصادی صرفاً معطوف و منصرف به افراد تحت پوشش کمیته امداد و سازمان بهزیستی نشده و امکان ارفاقات موردی نیز به رسمیت شناخته شده است.

۴-۵. بایستگی رعایت حریم خصوصی

یکی از چالش های جدی فراوری خصوصی سازی چالش نقض حریم خصوصی توسط بخش خصوصی است. این چالش زمانی تشدید می شود که بخش خصوصی به سامانه های الکترونیکی

دسترسی پیدا می‌کند. زیرا یکی از اصلی‌ترین موانع برای توسعه محیط آنلاین، فقدان اعتماد است که از نقض حریم و محرمانگی نشأت می‌گیرد. از این رو شاخص امنیت و محرمانگی از شاخص‌های کیفیت خدمات الکترونیکی است که مقصود از آن سطح امنیت و محافظت از اطلاعات شخصی شهروندان توسط وبسایت‌هاست (جعفری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۱).

در هر صورت بخش خصوصی جهت پیشبرد وظیفه خود به بخشی از اطلاعات شهروندان دسترسی پیدا می‌کند؛ لکن این دسترسی نباید بلاقید و شرط باشد. بدین منظور بایستی توسط دولت چنان کنترل و مدیریت گردد که متضمن رعایت سه اصل بنیادین ضرورت، حداقلی بودن دسترسی و تناسب با ویژگی‌های حریم در دسترس باشد (هاشمی دهنی، ۱۳۹۶: ۱۰۶). در ادامه راهبردهای پیشگیرنده و مقابله‌ای دولت با نقض حریم خصوصی شهروندان توسط مؤسسات حفاظتی و مراقبتی، دفاتر الکترونیک خدمات قضایی و بخش خصوصی متولی مراقبت‌های الکترونیک به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در آیین‌نامه حاکم بر عملکرد مؤسسات خصوصی حفاظتی مراقبتی مقررات مشخصی در خصوص نقض حریم خصوصی توسط پلیس‌یاران وضع نشده است. علاوه بر این در واگذاری اختیارات به پلیس خصوصی، مواردی وجود دارد که به جهت کلی‌گویی، ابهام و عدم تحدید حدود امکان نقض حریم خصوصی اشخاص فراهم است. برای مثال در لیست تکالیف نگهبانان محله (پلیس‌یاران) موارد مبهمی مانند معرفی افراد مظنون به کلاتری یا پلیس ۱۱۰ و زیر نظر قراردادن افراد ناشناس و هماهنگی با عوامل انتظامی محل به منظور جلوگیری از تعرضات افراد شرور و مزاحمین نوامیس مردم وجود دارد. افراد «مظنون»، «ناشناس»، «شرور»، «مزاحم ناموس مردم» و «تحت نظر قراردادن» دارای ابهام و ازگانی هستند بدون آنکه تعریف یا دست‌کم معیار مشخصی جهت تشخیص آن‌ها معرفی شده باشد. این ابهام می‌تواند آزادی‌های فردی و آزادی رفت‌وآمد در عین ناشناخته باقی ماندن را خدشه‌دار کند و موجبات دسترسی به حریم شهروندان را فراهم آورد (علیزاده و قلعه‌کار، ۱۳۹۳: ۵۹-۶۰). بهره‌گیری پلیس‌یاران از ابزارهای نظارت الکترونیک نیز می‌تواند از رهگذر نظارت حداکثری بر اشخاص، موجبات نقض حریم خصوصی ایشان را فراهم آورد.

علاوه بر ضرورت تدوین مقررات مشخص و دارای ضمانت‌اجرا در خصوص نقض حریم خصوصی و افشای اسرار حرفه‌ای توسط پلیس‌یاران بایستی طی دوره‌های آموزشی برگزار شده برای ایشان قبل از شروع به کار، ارزش حریم خصوصی افراد و احترام به آن به ایشان آموزش داده شود. این موضوع در آیین‌نامه حاکم مغفول مانده است.

در راستای رعایت حریم خصوصی توسط دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، افشای اطلاعات

اصحاب دعوا به افراد غیر مسئول و عدم رعایت حریم خصوصی با مجازات انتظامی درجه پنج یعنی تعلیق موقت به مدت سه ماه تا یک سال از مدیریت دفتر مواجه می‌باشد. علاوه بر این به حکم تبصره ماده ۵ مرکز فناوری اطلاعات و ارتباطات قوه قضاییه مکلف است تمهیدات مقتضی جهت عدم افشای گزارش‌های دارای طبقه‌بندی را معمول نماید. البته ضمانت اجرایی در این خصوص مقرر نشده است. ضرورت حفظ محرمانگی و حریم خصوصی در ارتباطات و اقدامات الکترونیکی در ماده ۲۶ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی نیز مورد تصریح قرار گرفته است. لکن ضمانت اجرایی در خصوص آن اندیشیده نشده است. در این موارد به نظر مقررات عمومی کیفری قابل اعمال است.

ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیک مصوب ۱۳۹۷ بخش خصوصی را ملزم به رعایت حریم خصوصی نموده است. بنا بر حکم ماده ۶ دستورالعمل واگذاری بخش فنی مراقبت الکترونیکی زندانیان، مجری بخش خصوصی موظف است سازوکارهای امنیتی لازم برای سامانه را به گونه‌ای طراحی نماید که حریم خصوصی مددجویان محفوظ باشد و اطلاعات مربوط به رصد مددجویان منتشر نشود. برای نقض حریم خصوصی توسط بخش خصوصی متولی نظارت الکترونیک نیز ضمانت اجرایی اندیشیده نشده است و به نظر می‌رسد تابع عمومات کیفری باشد.

با مقایسه سه نهاد خصوصی سازی شده به نظر می‌رسد دولت در خصوص حریم خصوصی شهروندان در دفاتر الکترونیک خدمات قضایی، ضوابط شفاف‌تر و مثمرترتری تدوین نموده است. ضرورت اهتمام همه‌جانبه دولت به حریم خصوصی، توجه به مطالعه انجام شده در خصوص «الگوی صیانت از حریم خصوصی اطلاعاتی شهروندان در دولت الکترونیک برای کشورهای در حال توسعه» را می‌طلبد که براساس آن کشورهای توسعه یافته در راستای تضمین اجرای قوانین حریم خصوصی اطلاعاتی، سازمان‌هایی مستقل به عنوان «دیده بان حریم خصوصی اطلاعاتی» دارند که بر نحوه پیروی سازمان‌ها از قوانین حفاظت از حریم خصوصی نظارت فعال دارد. بر این بنیان پیشنهاد می‌گردد نهادی مستقل از دولت به عنوان دیده بان حریم خصوصی اطلاعاتی و دریافت و رسیدگی به شکایات شهروندان ایجاد گردد (تقوی فرد و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱۹-۱۱۸).

نتیجه

این پژوهش ضمن بررسی مبانی و چالش‌های خصوصی سازی عدالت کیفری به این نتیجه می‌رسد که در تدوین مقررات حاکم بر خصوصی سازی دست کم باید پنج مؤلفه لحاظ گردد. اولاً دایره خصوصی سازی بر محور تکالیف غیرذاتی دستگاه عدالت کیفری جریان یابد و به تکالیف ذاتی این دستگاه سرایت نکند. ثانیاً، دولت بایستی با بهره‌گیری هم‌زمان از سیاست‌های تنبیهی و تشویقی مناسب، جایگاه نظارتی خود را بر عملکرد بخش خصوصی حفظ و تثبیت نماید؛ به گونه‌ای که خروج

بخش خصوصی از ضوابط و استانداردهای تعیین شده با ضمانت اجرای کافی و عملکرد کارآمد این بخش با حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی مؤثر همراه باشد. ثالثاً، دولت بر کیفیت خدمات ارائه شده توسط بخش خصوصی و میزان هزینه این خدمات نظارت داشته باشد و نظارت مردمی را نیز مورد توجه قرار دهد. رابعاً، به جهت پیشگیری از شکل‌گیری نظام طبقاتی در جامعه، بخش خصوصی را نه به عنوان یک کل منسجم بلکه به عنوان یک کل قابل طبقه‌بندی در نظر بگیرد و امکان ارائه برخی خدمات و برخورداری از برخی امتیازات را منوط به خدمت‌رسانی به اشخاص فقیر و مناطق فقرزده کند. خامساً، احتمال نقض حریم خصوصی شهروندان توسط بخش خصوصی را نادیده نگیرد و تمهیدات لازم را در این زمینه بیندیشد.

مؤلفه‌های پیش‌گفته نه تنها در تدوین مقررات حاکم بر خصوصی‌سازی ارائه خدمات زندان که در هر عرصه دیگری که دولت قصد خصوصی‌سازی عدالت کیفری را دارد بایستی لحاظ گردد. با واکاوی جایگاه این مؤلفه‌ها در مقررات کنونی، این نتیجه به دست آمد که آیین‌نامه اجرایی کانون و دفاتر الکترونیک خدمات قضایی در مقایسه با آیین‌نامه‌های حاکم بر مؤسسات خصوصی حفاظتی و مراقبتی و مراقبت الکترونیک، نگرشی جامع‌تر به این مؤلفه‌ها داشته است. بدین ترتیب ضمن این پژوهش خلأهای آیین‌نامه‌ای زیر کشف گردید و اصلاح آن به شرح مقرر پیشنهاد می‌گردد.

۱. نظر به عدم پیش‌بینی نظارت الکترونیک ناجا بر عملکرد مؤسسات حفاظتی و مراقبتی، پیشنهاد می‌گردد امکان این سبک نظارتی با تعیین کم و کیف آن قانوناً به رسمیت شناخته شود.

۲. به تأسی از ترتیب مقرر در نظام پاسخ‌دهی دفاتر الکترونیک خدمات قضایی، در نظام پاسخ‌دهی مؤسسات خصوصی حفاظتی و مراقبتی تجدیدنظر صورت بگیرد و با اعمال روش رتبه‌بندی، دقیقاً مشخص شود هر تخلف مؤسسه با چه پاسخ احتمالی مواجه است تا باب سلیقه‌گرایی بسته و اصل تناسب بین رفتارها و پاسخ‌ها رعایت شود. در ضمن، در صورت اجتماع شرایط لازم فرصت بهره‌مندی مؤسسات حفاظتی و مراقبتی از تعلیق اجرای مجازات و تخفیف قانوناً به رسمیت شناخته شود.

۳. نظر به عدم تعیین سازوکارهای نظارتی سازمان زندان‌ها بر بخش فنی و نظارتی مراقبت الکترونیک، بایسته است راهبردهای نظارتی مناسب تعیین شود و مشخص شود که تخلفات انتظامی بخش خصوصی با چه پاسخ‌های احتمالی مواجه است.

۴. با عنایت به وجود ظرفیت رتبه‌بندی در مؤسسات حفاظتی و مراقبتی، لازم است مؤلفه‌های اثرگذار بر این رتبه‌بندی قانوناً مشخص گردد. معیارهایی مانند کیفیت خدمات، هزینه آن‌ها، رضایت مشتریان، خدمت‌رسانی حفاظتی و مراقبتی در مناطق جرم‌زا و فقرزده، میزان موفقیت در کاهش جرم

منطقه تحت محافظت بایستی در این رتبه بندی لحاظ گردد.

۵. با توجه به عدم رتبه بندی در بخش خصوصی متولی تدابیر نظارتی و فنی مراقبت الکترونیک، پیشنهاد می گردد نظام رتبه بندی در این بخش نیز لحاظ گردد. در این خصوص هزینه تولید پابندها و دستبندهای الکترونیک، کیفیت آنها و رضایت بهره‌وران مراقبت الکترونیک می تواند به عنوان شاخص های رتبه بندی لحاظ گردد.

۶. به منظور جلب توجه بخش خصوصی به سرمایه گذاری خدمات عدالت کیفری در مناطق محروم، از راهبرد معافیت یا تخفیف بیمه ای و مالیاتی بهره برداری شود یا دست کم راهبرد پیش بینی شده در آیین نامه مؤسسات حفاظتی و مراقبتی مبنی بر امکان حضور یک نفر نماینده ناجا به منظور دفاع از حقوق این مؤسسات در هیأت های تشخیص و حل اختلاف ادارات مالیات و کار و تأمین اجتماعی به بخش های خصوصی خدمت رسان به افراد و مناطق محروم نیز تسری یابد.

۷. نقض حریم خصوصی شهروندان و افشای اسرار حرفه ای توسط پلیس یاران و مؤسسات حفاظتی و مراقبتی و بخش خصوصی متولی مراقبت الکترونی با ضمانت اجرای مشخص قانونی مواجه باشد.

منابع

فارسی

- بازگیر، سیف‌الله و صفری کاکرودی، عابدین. (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی استفاده از دستبند و پابند الکترونیکی در حبس خانگی. نشریه پژوهش‌های جرم‌شناسی پلیس، شماره ۸.
- بایاری، عبدالرضا؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم و رحمانی فیروزجاه، علی. (۱۳۹۹). نقش شرکت‌های خدمات انتظامی در ایجاد احساس امنیت اجتماعی در استان گلستان. مطالعات جامعه‌شناسی، سال ۱۳، شماره ۴۹.
- بهمنی، مجید؛ حاجی‌تبار فیروزجانی، حسن و احسان‌پور، سیدرضا. (۱۴۰۰). مداخله بخش خصوصی در زندان در ایران و آمریکا. مجله حقوق پزشکی، ویژه‌نامه نوآوری حقوقی.
- پاک‌نیت، مصطفی. (۱۳۹۶). افتراقی شدن دادرسی کیفری. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- تقوی‌فرد، محمدتقی و تقوا، محمدرضا؛ فقیهی، مهدی و جمشیدی، محمدجواد. (۱۳۹۵). الگوی صیانت از حریم خصوصی اطلاعاتی شهروندان در دولت الکترونیک برای کشورهای در حال توسعه. پژوهش‌های مدیریت عمومی، سال ۹، شماره ۳۱.
- جعفری، حمیدرضا؛ یعقوبی، نورمحمد و سالارزایی، امیرحمزه. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر کیفیت خدمات الکترونی قضایی بر رضایتمندی شهروندان. پژوهش‌های مدیریت عمومی، سال ۷، شماره ۲۴.
- حیدرزاد، علیرضا و عامری، محمدعلی. (۱۳۹۹). بررسی عوامل انتظامی مؤثر بر سرقت‌های خرد در شهر مشهد و راه‌کارهای مبارزه با آن. فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال ۲۲، شماره ۱.
- داودی دهقانی، ابراهیم. (۱۳۹۵). چالش‌ها و راهکارهای نگهبانان محله در پیشگیری از سرقت از نگاه مدیران پلیس؛ یک مطالعه کیفی. فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال ۱۸.
- دهقان، مختار. (۱۳۹۷). نقش پلیس محله‌محور در پیشگیری از جرم. فصلنامه علمی-حقوقی قانون‌یار، دوره ۲، شماره ۶.
- راسخی، مرتضی؛ غمامی، محمد مهدی و سامانی، احسان. (۱۴۰۱). بررسی اصول اخلاقی خصوصی‌سازی وظایف غیرقضایی قوه قضاییه مبتنی بر الزامات تحول قضایی. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال ۵، شماره ۱۱.
- رحمانی، محمدرضا. (۱۴۰۰). تحلیل مشارکت بخش خصوصی در اداره نهادهای کیفری. چاپ اول، تهران: نشر مؤسسه آموزشی تألیفی ارشدان.
- زارع مهرجردی، علی. (۱۳۹۱). خصوصی‌سازی عدالت کیفری. رساله دکتری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- سهیل مقدم، سحر. (۱۴۰۱). کاوشی در بنیان‌ها و جلوه‌های خصوصی‌سازی امنیت (پلیس) در نظام عدالت کیفری ایران و انگلستان. رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- شمس‌ناتری، محمدابراهیم؛ کلانتری، حمیدرضا؛ زارع، ابراهیم و ریاضت، زینب. (۱۳۹۸). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد ۱، تهران: نشر میزان.
- عباسی، رسول؛ طالاری، محمد و میرزایی، زهرا. (۱۴۰۰). کیفیت خدمات دفاتر الکترونیک قضایی و اعتماد شهروندان. نشریه حقوق اداری، شماره ۲۸.
- عقیقی، علیرضا و رستمی، رقیه. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر کیفیت دولت الکترونیک بر مشارکت عمومی با در نظرگرفتن نقش واسطه‌ای اعتماد عمومی. دانش انتظامی همدان، سال ۵، شماره ۱۷.

- علیزاده، فاطمه و قلعه کار، الهه. (۱۳۹۳). تحلیل نقش نگهبانان محله در پیشگیری از جرم. کارآگاه، دوره ۲، سال ۷.
- غمامی، محمد مهدی و مرادی برلیان، مهدی. (۱۳۹۶). امکان یا امتناع خصوصی سازی امور مربوط به قوه قضاییه. مجله حقوقی دادگستری، سال ۸۲، شماره ۱۰۴.
- قنبرپور، بهنام و قربانی، امید. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر ایجاد ابلاغ و ثبت الکترونیکی در روند دادرسی قضایی. آموزه های فقه و حقوق جزا، سال ۱، شماره ۴.
- محمدی، سام؛ تقی پور درزی نقیعی، محمدحسین و طالقان غفاری، مهدی. (۱۴۰۱). تأملی بر نقاط قوت و ضعف واکاوی الزام اشخاص به طرح دعوا از طریق دفاتر خدمات الکترونیک قضایی. نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰۰.
- وحدتی، مهدی؛ طاهرخانی، حسین؛ ساورایی، پرویز و نورشرق، جمشید. (۱۳۹۹). بررسی چالش ها و رفع تعارض مقررات مربوط به دادرسی الکترونیکی در نظام حقوقی ایران با نگرش تطبیقی در حقوق فرانسه. نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۲۶.
- هاشمی دهنی، عفت. (۱۳۹۶). مطالعه خانواده از چشم انداز تقسیم بندی عمومی - خصوصی. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

انگلیسی

- Roger Fairfax, A. Jr. (2010). Outsourcing criminal prosecution? the limits of criminal justice privatization, *University of Chicago Legal Forum*.